

بازار مالی

ملاحظات

اجتماعی

اقتصادی

سیاسی

عملی

تجربه

دریافتی

محدوده

ایجاد کردن

معمد

توصیف کردن

مقاومت

حکیمه خلاصه

طبقه

مبتنی بر ذهنی

به طور موقتی

مبتنی بر

حسابدار

مبتنی بر

قانون گذار

وظیفه

دولتی

مادی، دنیوی

سیاست گذاری

4 Reveal

4 Considerations

Social

Economic

Political

Practice

4 Discipline

Convey

4 Boundary

Establish

Vague

Describe

Varied

4 Abstract

Category

Mind-paralyzing

Temporarily

4 Clerk

Accountant

Engineer

Lawyer

Task

Governmental

Mundane

Policy making

کشف کردن

ملاحظات

اجتماعی، اقتصادی

سیاسی

عملی

تجربه

دریافتی

محدوده

ایجاد کردن (توضیح)

معمد

توصیف کردن

مقاومت

خلاصه

طبقه

مبتنی بر ذهنی

به طور موقتی

مبتنی بر

حسابدار

مبتنی بر

قانون گذار

وظیفه

دولتی

مادی، دنیوی

سیاست گذاری

Business administration
مدیریت بازرگانی

Economy
اقتصاد

Psychology
روانشناسی

Sociology
جامعه‌شناسی

Political science
علوم سیاسی

Overlap
همپوشانی

Multiplicity
چندگانگی

Shortcoming
نقص، عیب

Contribution
کمک، مساعدت

Aware
آگاه

Acutely
به‌ویژه

Certainly
قطعاً

Appeal
درخواست، التماس

Perspective
دیدگاه

Applied meaning
معنای کاربردی

Common
متداول

Subject
موضوع

Variety
تنوع

Conclusion
نتیجه‌گیری

Numerous
بسیار

Associate with
مرتبط به

Private
خصوصی

Significant
مهم

Public policy
خطابسی عمومی

Formulation
تدوین

concern to

very important

conclusion

don

Human resource management

مدیریت منابع انسانی

Procedure

روش

Establish

تأسیس

Location

مکان

Structure

ساختار

Legal

قانونی

Determine

تعیین

In term of

از نظر

Law

قانون

Department

واحد

Authority

اختیار

Congress

کنگره مجلس

Federal level

سطح فدرال

Administrative operations

عملیات اداری

Constitutional power

قدرت قانونی

Possess

بوجود داشتن

Legislature

قانونگذار

President

رئیس جمهور

Governors

حکمرانان

Accustom

عادت کردن

Master

مدیر

Separation

جداسازی

Power

قدرت

Fragment

بخش بندی

Constraint

محدودیت

مدیریت منابع انسانی

روش

تأسیس

مکان

ساختار

قانونی

تعیین

از نظر

قانون

واحد

اختیار

کنگره مجلس

سطح فدرال

عملیات اداری

قدرت قانونی

بوجود داشتن

قانونگذار

رئیس جمهور

حکمرانان

عادت کردن

مدیر

جداسازی

قدرت

بخش بندی

محدودیت

Retain	حفظ کردن	Interest	علاقه	Separation	جدا سازی	Frustrate	ناکام کردن	Coordination	هماهنگی	Responsible	مسئول	Constituencies	حوزه های انتخابی	Political pressure	فشار سیاسی	Legitimate	قانونی، مشروع	Constitutional framework	چارچوب قانونی	Funding	تامین منابع مالی	Shared	مشترک	Responsible	مسئول	Extent	میزان، حد	State governors	حکمرانان ایالتی	Substantial	قابل توجه	Impact	تاثیر	Affect	تاثیر	Reforms	اصول	Processes	فرآیندها	Fragmentation	جدا سازی	Private sector	بخش خصوصی	Restriction	محدودیت	Requirements	الزامات	Participate	مشارکت کردن
--------	----------	----------	-------	------------	----------	-----------	------------	--------------	---------	-------------	-------	----------------	------------------	--------------------	------------	------------	---------------	--------------------------	---------------	---------	------------------	--------	-------	-------------	-------	--------	-----------	-----------------	-----------------	-------------	-----------	--------	-------	--------	-------	---------	------	-----------	----------	---------------	----------	----------------	-----------	-------------	---------	--------------	---------	-------------	-------------

Issue	مسئله
Represent	نماینده
Respond	پاسخ دادن
Interests	منافع
Citizensry	شهروندی
Various	مختلف
Regulations	تأسیسات و مقررات
Narrow	محدود
Partisan	مؤید یا متعصب
Gain	سود، نفع
Engage	درگیر بودن
Public personnel	کارکنان بخش عمومی
Civil servants	کارکنان بخش عمومی (تئوری نظامی، مدنی)
Comprehensive	جامع
Conflict	تعارض
Concerned with	توجه داشتن
Loyalty	وفاداری
Employees	کارکنان
Private firms	شرکت های خصوصی
Vigorously	تیر و تند، قوی
Pursue	تقیب کردن، پیگیری کردن
Economic interests	منافع اقتصادی
Competitive	رقابتی
Efficient	بازدهنده
Market place	بازار

مستری

۲۲ ۲۳ ۱۹ ۲۱
مصرف کننده

و حواله مالیاتی

به خط اعتباری

مالی اقتصادی

فرموده، اسباب و سبب

تأیید

تأیید

حاجت کردن

پیش از اشاره

محدودیت

مالی

تأیید

محدود

تأیید، فلسفه وجودی

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

تأیید

Customer

Consumer

- Tax receipt

Threaten

Economic base

Erode

Inefficient

Undesired

Support

Excessive

Constraints

Fiscal

Salient

Constraining

Mission

Expensive

Cost

Provide

Mandate

Monopoly

Important

= Capital project

Pay for

Bond

Customer

Consumer

- Tax receipt

Threaten

Economic base

Erode

Inefficient

Undesired

Support

Excessive

Constraints

Fiscal

Salient

Constraining

Mission

Expensive

Cost

Provide

Mandate

Monopoly

Important

= Capital project

Pay for

Bond

Consequences	نتیجه ها
Remoteness	دوری
Priority	اولویت
Meet	برآورده ساختن
Initiative	ابتدائی، ابتکار
Adjunct to	اضافه به
Donors	اهدای کنندگان
Foundations	بنیاد، بنیاده
Donate	بخشیدن، اهدا کردن
Contribution	کمک، مساهلت
Fraternal societies	جوامع دوستانه
Business leagues	اتحادیه های بازرگانی
Welfare	رفاه
Charitable	خیریه
Majority	اکثریت
Tax-exempt	معاف از مالیات
Steer	هدایت کردن
Religious	دینی
Quasi-public	نیمه عمومی
Feasibly	به طور عملی
Merit	استحقاق
Fund	منابع مالی
Client	مشتری
Sustain	حمایت کردن، تحمل کردن
Niche	جایگاه

Substantially	بسیار
Relationship	رابطه
Implications	پیامدها
Function	کارکرد
Contract out	بیرون سپاری
Problem	مسئله
Impossible	غیرممکن
Performance	عملکرد
Measure	اندازه - سنجش
Accurately	دقیق
Approximation	تقریب
Conduct	انجام دادن
Survey	پرسشنامه
Opinion	نظر
Worth	ارزش
Determine	تعیین کردن
Open markets	بازارهای آزاد
Efficiency	به طور رایگان
Evaluate	ارزیابی
Assess	ارزیابی
Drastically	شدیداً
Quality	کیفیت
Bore	مستحل شدن
Educated population	جمعیت تحصیل کرده

Drastically Evaluate

outlines Case

قوانین موضوعه
به کارگیری، اجرا
تاریخ: ۱۳۳۲
محل: تهران

تحقیق و تحلیل
تدوین
مشارکت
مشارکت
تخصصی
سود، شیخ
خط مشی عمومی
خدمات عمومی
مشاوره
حذف کردن

سرموکلار داشتن با
اداره
سیاست
دوگانگی، تضاد
جدا، مجزا
به طور کامل
به طور اجتناب ناپذیر
تفویض
تفویض کردن
به طور خصوصی
توانمند ساختن

spoils

Statutes
Implement
Revision
Evaluation
Analysis
Formulation
Identification
-Appropriate
Expertise
Advantage
Public policy
Public services
-Electoral
Eliminate
Concern with
Administration
Politics
Dichotomy
Separate
Completely
-Inevitably
Enforcement
Enforce
Privately

قوانین موضوعه
به کارگیری، اجرا
تاریخ: ۱۳۳۲
محل: تهران
تحقیق و تحلیل
تدوین
مشارکت
مشارکت
تخصصی
سود، شیخ
خط مشی عمومی
خدمات عمومی
مشاوره
حذف کردن
سرموکلار داشتن با
اداره
سیاست
دوگانگی، تضاد
جدا، مجزا
به طور کامل
به طور اجتناب ناپذیر
تفویض
تفویض کردن
به طور خصوصی
توانمند ساختن

۱	Forum	مجمع	۱	Forum	مجمع
۲	Decision making	تصمیم گیری	۲	Decision making	تصمیم گیری
۳	Communication	ارتباطات	۳	Communication	ارتباطات
۴	Commission	کمیسیون	۴	Commission	کمیسیون
۵	Board	هیأت مدیره	۵	Board	هیأت مدیره
۶	Access	دسترسی داشتن	۶	Access	دسترسی داشتن
۷	Rules	قوانین و مقررات	۷	Rules	قوانین و مقررات
۸	Adoption	بر عهده گرفتن	۸	Adoption	بر عهده گرفتن
۹	Express	بیان کردن	۹	Express	بیان کردن
۱۰	Ethnicity	قومیت	۱۰	Ethnicity	قومیت
۱۱	Race	رژان	۱۱	Race	رژان
۱۲	For instance	به عنوان مثال	۱۲	For instance	به عنوان مثال
۱۳	Properly	به درستی	۱۳	Properly	به درستی
۱۴	Exercise	اعمال کردن	۱۴	Exercise	اعمال کردن
۱۵	Assure that	اطمینان حاصل کردن که	۱۵	Assure that	اطمینان حاصل کردن که
۱۶	Advertising	تبلیغات	۱۶	Advertising	تبلیغات
۱۷	Interest groups	گروه های ذی منافع	۱۷	Interest groups	گروه های ذی منافع
۱۸	Political appointees	مأموران سیاسی	۱۸	Political appointees	مأموران سیاسی
۱۹	Convince	متقاعد کردن	۱۹	Convince	متقاعد کردن
۲۰	Perforce	به ناچار	۲۰	Perforce	به ناچار
۲۱	Involvement	درگیر بودن	۲۱	Involvement	درگیر بودن
۲۲	Enforcement	اجرا، انجام	۲۲	Enforcement	اجرا، انجام
۲۳	virtually	تقریباً	۲۳	virtually	تقریباً
۲۴	Scarcity	کمبود	۲۴	Scarcity	کمبود
۲۵	Mandate	حکم، دستور	۲۵	Mandate	حکم، دستور
۲۶	Direction	راهنمایی	۲۶	Direction	راهنمایی
۲۷	Run	اجرا کردن	۲۷	Run	اجرا کردن
۲۸	Apparent	ظاهری	۲۸	Apparent	ظاهری
۲۹	Party platform	پلتفرم حزب	۲۹	Party platform	پلتفرم حزب
۳۰	Minority	اقلیت	۳۰	Minority	اقلیت
۳۱	Dealing	تعامل	۳۱	Dealing	تعامل
۳۲	Deficit	کسری	۳۲	Deficit	کسری
۳۳	Observation	مشاهده	۳۳	Observation	مشاهده
۳۴	in sum	در مجموع	۳۴	in sum	در مجموع
۳۵	Coercive	مجبوری	۳۵	Coercive	مجبوری
۳۶	Conservatives	معتدلات	۳۶	Conservatives	معتدلات
۳۷	Charged	تاریک	۳۷	Charged	تاریک
۳۸	Turns out	نشان میدهد	۳۸	Turns out	نشان میدهد
۳۹	Recipients	بگیرندگان	۳۹	Recipients	بگیرندگان
۴۰	Dwelling	ساکنان	۴۰	Dwelling	ساکنان
۴۱	Licenses	تراخيص	۴۱	Licenses	تراخيص
۴۲	Relationships	رابطه ها	۴۲	Relationships	رابطه ها
۴۳	Commitment	تعهد	۴۳	Commitment	تعهد
۴۴	Decision making	تصمیم گیری	۴۴	Decision making	تصمیم گیری
۴۵	Forum	مجمع	۴۵	Forum	مجمع

Desirable	مطلوبه
Welfare programs	برنامه های رفاهی
Undeniably	بدون شک
Recipients	دریافت کنندگان
Inspect	بسیار گوی
Refuse	رد کردن، نپذیرفتن
Deny	انکار کردن
Occupational	شغلی
Competent	شایسته، باصلاحیت
Occupation	شغل
Inspection	بازرسی
Cognizant	آگاه، باخبر
Public servants	خدمتگزاران عمومی
Behavior	رفتار
Managerial	مدیریتی
Political	سیاسی
Legal	حقوقی (قانونی)
Approach	رویکرد
Complex	پیچیده
Intellectual	عقلانی
Discipline	رشته
Coherence	واحدی
Embodiment	جسمانی شدن
Perspective	دیدگاه
Endeavor	تلاش، کوشش

حمایت پشتیبانی

کارایی

این بخشی

گفتار، بیان

بی‌پروا

توانمندی

پتانسیل

جود آگاهی

منطق

حفظ و نگهداری

حق اصدی

اجزای

رد کردن، پس زدن

به کار گیری، استخدام

رای گیری

استعدادهای اجتماعی

معیار

کارکنان بخش عمومی

سازمان، شری

مطلب بودن

فائزگی

پتانسیل

جمله بارز

تقاضا، نیاز

ایرانی که از سیستم تاراج نفع می‌برد

Advocacy
پشتیبانی

Efficiency
کارایی

Effectiveness
این بخشی

Articulation
گفتار، بیان

Straight forward
بی‌پروا

Inflential
توانمندی

Express
پتانسیل

Self-conscious
جود آگاهی

Logic
منطق

Sustain
حفظ و نگهداری

Tenure
حق اصدی

Firing
اجزای

Reject
رد کردن، پس زدن

Hiring
به کار گیری، استخدام

Voting
رای گیری

Electoral politics
استعدادهای اجتماعی

Prohibit
معیار

Public employees
کارکنان بخش عمومی

Partnership
سازمان، شری

Fitness
مطلب بودن

Merit
فائزگی

On the basis of
پتانسیل

Businesslike
جمله بارز

Demand
تقاضا، نیاز

Spoils men
ایرانی که از سیستم تاراج نفع می‌برد

geared

properly

sphere

Forward

existence

performance

shall

refuse

appointment

shall

refuse

31A

مقام، منصب
مسؤولیت
کارکردی، وظیفه
شیخ دادن
خطوط رسمی
تعارف
مهمی‌شناسی
در غیر این صورت
تخصیص دادن
بر اساس
مدیریت کردن
انتخاب
سلسله مراتبی
ایجاد داشتن بر
همکاری
تایید داشتن
متخصص
وظیفه
تخصیص
مدیریت کردن
اجرا، انجام
کارکنان
تغییر ساختن
تخصص کار
به نای هر واحد

likely
affiliation
account
conveying
toward
orthodox
preoccupied

Per unit of
Division of labor
Enable
Employees
Accomplishment
Specialize
Specialization
Task
Expert
Require
Coordination
Rely on
Hierarchy
Authority
Manage
According to
Assignee
Other wise
Overlap
Conflict
Formalistic lines
Spell out
Functions
Responsibility
Position

به واحد
تقسیم کار

کارکنان

انجام دادن

تخصص

تخصص

وظیفه

متخصص

تایید داشتن

همکاری

ایجاد داشتن بر

سلسله مراتبی

انتخاب

مدیریت کردن

بر اساس

تخصیص دادن

در غیر این صورت

مهمی‌شناسی

تعارف

خطوط رسمی

شیخ دادن

کارکردی، وظیفه

مسؤولیت

مقام، منصب

نہج

6/1/2000

7. 8. 1950

جہاں سے کہیں ہو

7

(m) q_i

10

جی. ای. سٹون

2, 3, 4, 5

بسم الله الرحمن الرحيم

15

[Signature]

Ngũgĩ

Chronic Pain

الحمد لله

۱۰۰

فصل اول

Chlorine

مجلس

نہ لے سکتا

హామిని

၂၀၇၄

ॐ नमो

၁၀၂၁ ခုနှစ်

٢٠

مضمون

159

750

5

$$K_{\text{eff}} = \frac{K}{1 + \frac{K}{K_{\text{eff}}}}$$

100

کتابخانه ملی

۱۰۸۵

ရန်ကုန်မြို့

جیسا کہ

: ' " : 7

ရက်စွဲတရား

یستمی

ገና? ለገና ለገና

2007 11 11

7. 7. 7.

17. 18.

॥ श्रीगणेशाय नमः ॥

١٠٩

تاریخ

ရက်စွဲ

॥ ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ॥

Enhance
Treat
Charging fee
Monopoly
Obvious
Respond
Logic
Client
Corollary
Customer driven
For instance
Revenue
Private corporation
Resemble
Recognize
Contract out
Accomplish
Provision
Competition
Achieve
Marketization
Procedures
Conforming
Result

party
adversary
Conflicts
Promises
seeking
scheme
represents
respect
disorder
involved
contradiction
dull-witted
conflicting
sustains
diverse
boreaus
illusion
symmetrical
zeidman
pluralism
competence

مدیریت دولتی
کارشناسی
ارشد
میرزا
اطلاع
رسانه
دانشگاه
تهران
چهارم
مهرماه
۱۳۸۱
۱۹۲۱
۲۲
۲۳

بسیار گویا
خط کردن
تالی
غیر تالی
بدون توجه به
مستثنی، باینار
مراعات
تخله، دو قاعده
بافتاری
ساده و موثر کردن
غیر متمیز کردن
تالی
تضمین، ضمانت
قرار داد
بدون توجه
بدون قیود، بر عهده گرفتن
فرا بردگرای
محدودیت قوانین
در مقابل
اقدام کننده
کار آفرین
حاصل شده
نواور
فرهنگی
تسلیم کردن

demise
regarding
privilege
distinction
instead
inside
recruited
contribution
rail road
institutional
entrusted
staff
essence
captures
succinctly
safeguard
toward
informally
negotiating
prosecuting
investigating
procedural

Accountability
Maintain
Essential
Appolitical
Regardless of
Permanent
Preface
Dichotomy
Insistence
Streamline
Decentralize
Responsive
Guarantee
Contract
Explicitly
Adopt
Process oriented
Rule-bound
As opposed to
Enterprising
Entrepreneurial
Problem solving
Innovative
Culture
Determine

مسئولیت
نگه داشتن
ضروری
غیر سیاسی
بدون در نظر گرفتن
دائمی
مقدمه
دوگانگی
تسلیم
ساده سازی
متمرکز کردن
پاسخگویی
مستقیم و موثر کردن
غیر متمیز کردن
تالی
تضمین، ضمانت
قرارداد
بدون توجه
بدون قیود، بر عهده گرفتن
فرا بردگرای
محدودیت قوانین
در مقابل
اقدام کننده
کار آفرین
حاصل شده
نواور
فرهنگی
تسلیم کردن

Citizen centered	مدیریت دواتی
Religious	مذهبی
Enthusiastic	متفانی
Flexibility	انعطاف پذیری
Coordinate	هماهنگی
Hierarchical controls	کنترل‌های سلسله مراتبی
Procedural	روش‌های
Eclipse	تغافل کردن
Characteristic	خصوصیت
Organizational stricture	ساختار سازمانی
Perspective	دیدگاه
Flatter	پنجشمار
Hierarchical	سلسله مراتبی
Subunits	واحد های فرعی
Autonomous	مستقل
Coordination	هماهنگی
Consist of	تألف شده از
Monitor	نظارت داشتن
Track	پیگیری کردن
Inventory	موارد انبار
Boundaries	محدودیه ای
Distinct	متمایز
Immediately	بلافاصله
Devote	توجه کردن
Negotiation	مذاکره

According to

مطابق

Equally

مساوی

Boundary

محدود

Responsiveness

مسئولیت

Issue

مسئله

Borrow

بهره برداری

Public choice approach

رویکرد

Public policy

سیاست

Posit

Consumer choice

انتخاب مصرف کننده

Enhance

تقویت

Purchase

خرید

Supply

تأمین

Market

بازار

Superior

برتر

Satisfy

رضایت

Individual preference

تفاوت

Develop

توسعه

Operate

عمل

Pragmatic

عملی

Observation

مشاهده

Measurement

اندازه گیری

Metric

معیار

Measure

معیار

معیار

به طور مساوی

محدود

مسئولیت

مسئله

بهره برداری

سیاست

تفاوت

توسعه

عمل

عملی

مشاهده

اندازه گیری

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

معیار

Express	عکس	تای کردن
Succinctly	مختصراً	مختصر، کوتاه
Forcefully	قوی	قوی
Political approach	رویکرد سیاسی	رویکرد سیاسی
Continue	ادامه	ادامه یافتن
Cost-conscious	هوشیار نسبت به هزینه	هوشیار نسبت به هزینه
Rank	رتبه	رتبه
Leader	رهبر	رهبر
Opportunity	فرصت	فرصت
Entrepreneurial	کارآفرینی	کارآفرینی
Mission	ماموریت	ماموریت، فلسفه وجودی
Decentralize	عدم تمرکز	عدم تمرکز ایجاد کردن
Decision making	تصمیم گیری	تصمیم گیری
Competitive costs	هزینه های رقابتی	هزینه های رقابتی
Spent	خرج کردن	خرج کردن
Minimize	حداقل کردن	حداقل کردن
Maximize	حداکثر کردن	حداکثر کردن
Equipment	تجهیزات	تجهیزات
Staff	کارکنان	کارکنان
As long as	تا آنجا که	تا آنجا که
Handle	مدیریت	مدیریت
Flexibility	انعطاف پذیری	انعطاف پذیری
Shift	تغییر	تغییر
Privatize	خصوصی سازی	خصوصی سازی
Terminate	انتهای دادن	انتهای دادن

Autocracy	استبداد	تسلط
Representativeness	نماینده‌گرایی	نماینده‌گرایی
Accountability	مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری
Requirements	نیازها - الزامات	نیازها - الزامات
Constitutional democracy	دموکراسی اساسی	دموکراسی اساسی
Incorporation	تضمین	تضمین
Aspect	جانب - وجه	جانب - وجه
Transparency	شفافیت	شفافیت
Result oriented	نتیجه‌گرا	نتیجه‌گرا
Frustrate	ناتمام ماندن	ناتمام ماندن
Workforce	نیروی کار	نیروی کار
Reflective	انعکاسی	انعکاسی
Diversity	تنوع	تنوع
Segment	بخش - قشر	بخش - قشر
Society	جامعه	جامعه
Advisory	مشاوره‌ای	مشاوره‌ای
Matter	موضوع	موضوع
Declare that	بیان کردن	بیان کردن
Beneficial	مفید	مفید
Furnish	تأمین کردن	تأمین کردن
Expert advice	مشاوره تخصصی	مشاوره تخصصی
Opinion	نظر	نظر
Membership	عضویت	عضویت
Fairly	عادلانه	عادلانه
In term of	از نظر	از نظر

- Content analysis *تحلیل محتوا*
- Media *رسانه*
- Interest groups *گروه های ذی منافع*
- Coalition *اتحاد*
- Development *توسعه*
- Consensus *اتفاق*
- Communities of interests *اجتهادات منافع (گروه های ذی منافع)*
- Politicians *سیاستمداران*
- Political culture *فرهنگ سیاسی*
- Pendency *تعلل*
- Alike *شبه*
- Political culture *فرهنگ سیاسی*
- Despite *با وجود*
- Locate *واقع شدن*
- Geopolitical *جغرافیای سیاسی*
- Similarly *به طور مشابه*
- Circumstances *شرایط*
- Particular *ویژه خاص*
- Inquiry *پرسش و تحقیق*
- Affirmative *تأییدی*
- Beneficiary *ذی منافع*
- Target *هدف*
- Consider *در نظر گرفتن*
- Similar to *مشابه*
- Depersonalize *بی شخصی کردن*

- تحلیل محتوا
- رسانه
- گروه های ذی منافع
- اتحاد
- توسعه
- اتفاق، اجماع
- اجتهادات منافع (گروه های ذی منافع)
- سیاستمداران
- فرهنگ سیاسی
- تعلل
- شبه
- فرهنگ سیاسی
- با وجود
- واقع شدن
- جغرافیای سیاسی
- به طور مشابه
- شرایط
- ویژه خاص
- پرسش و تحقیق
- تأییدی
- ذی منافع
- هدف
- در نظر گرفتن
- مشابه
- بی شخصی کردن

Typical	تصادف	تصادف
Policy objectives	اهداف سیاست	اهداف سیاست
Succession	تجانش	تجانش
Desirability	مطلوبیت	مطلوبیت
Legal approach	رویکرد قضایی	رویکرد قضایی
Nevertheless	با این وجود	با این وجود
Venerable	محترم	محترم
Tradition	سنت	سنت
Main sources	منابع اصلی	منابع اصلی
Primary	اصلی	اصلی
Root	ریشه	ریشه
Interrelated	متصل	متصل
Administrative law	حقوق اداری	حقوق اداری
Generic	عمومی	عمومی
Consist of	تألف شده	تألف شده
Statute	قانون	قانون
Executive orders	تأمرات اجرایی	تأمرات اجرایی
Binding directives	دستورات الزام آور	دستورات الزام آور
Distinctive	متمایز	متمایز
Impact	تاثیر	تاثیر
Treatment	درخواست	درخواست
Typical	تصادف	تصادف
Rule making	تألیف	تألیف
Adjudication	تألیف	تألیف
Enforcement	تألیف	تألیف

Remedial law	تجدید قانون	تجدید قانون
Decreed	تصدیق	تصدیق
Frequently	بسیار	بسیار
Legality	قانونیت	قانونیت
Constitutionality	قانونیت اساسی	قانونیت اساسی
Challenge	چالش	چالش
Competence	صلاحیت	صلاحیت
Lawfulness	قانونیت	قانونیت
Incentive	تشویق	تشویق
Create	ایجاد	ایجاد
Deterrent	بازدارنده	بازدارنده
Compensate	تجارت	تجارت
Damage	آسیب	آسیب
Responsible	مسئول	مسئول
Aspects	جوانم	جوانم
Relevant	مرتبط	مرتبط
Bridge	پل	پل
Qualified	مجاز	مجاز
Immunity	حصانیت	حصانیت
Violate	تجاوز	تجاوز
Scornously	تجاوز	تجاوز
Cruel	سخت	سخت
Encounter	روبرو	روبرو
Seizure	تصرف	تصرف

تجدید قانون
تصدیق
بسیار
قانونیت
قانونیت اساسی
چالش
صلاحیت
قانونیت
تشویق
ایجاد
بازدارنده
تجارت
آسیب
مسئول
جوانم
مرتبط
پل
مجاز
حصانیت
تجاوز
تجاوز
سخت
روبرو
تصرف

تجدید قانون

تصدیق

بسیار

قانونیت

قانونیت اساسی

چالش

صلاحیت

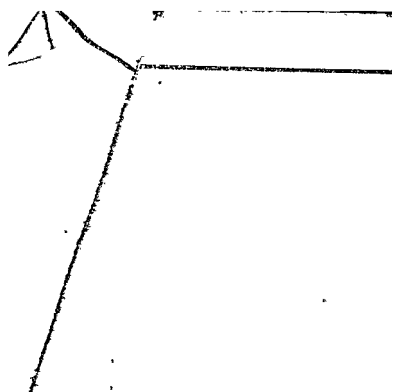
قانونیت

تشویق

ایجاد

بازدارنده

کتابخانه ملی



درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد
مرکز اطلاع رسانی دانشپژیران فرانگیر

In relation to	در ارتباط با
Stand for	تکیه داشتن بر
Fundamental	اساسی
Fairness	عدالت
Malicious	بداندیش، بدخواهی
Arbitrary	اختیاری
Erroneous	نادرست
Capricious	هوسبازی، دمدمی

در ارتباط با
تکیه داشتن بر
اساس
عدالت
بداندیشی
اختیاری
نادرست
هوسبازی - دمدمی

Movement	جنبش	جنبش
Judaic realization	حقیقت‌یافتن	قضایی ساختن
Courtroom	دادگاه	دادگاه
Procedure	رویه	رویه
design	طراحی کردن	طراحی کردن
Sage guard	تضمین	تضمین
Individual rights	حقوق فردی	حقوق فردی
Format	شکل	شکل
Judge	قاضی	قضات
Meet	برآوردن	برآورده ساختن
Proof	دلیل	برهان، دلیل
Substantial evidence	شواهد قابل توجه	شواهد قابل توجه
Preponderance	برتری، مزیت	برتری، مزیت
Contemporary	هم‌زمان	هم‌زمان
Equal protection	حمایت مساوی	حمایت مساوی
Privacy	حریم خصوصی	حریم خصوصی
Substantive	ذاتی، متکی به خود	ذاتی، متکی به خود
Liberty	اختیار	اختیار
Recognize	تأیید کردن	تأیید کردن
Possess	برخوردار بودن	برخوردار بودن
Array	آرایه، نظم	آرایه، نظم
Vast	گسترده، وسیع	گسترده، وسیع
Expansion	گسترش	گسترش
Procedural	رویه‌ای	رویه‌ای

جزوه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد - مرکز اطلاع رسانی دانشپژیران فراگیر

Constituents	مؤلفین
Relevant	مرتبط
Prime	اصلی
Focus groups	گروه‌های کانونی
Coincide	هم‌زمان بودن
Generalization	تعمیم، عمومیت دادن
Rather than	به جای
Formal statement	عبارت رسمی
Contest	جدال، رقابت
Among	در بین
In conjunction with	به همراه
Relative	نسبی
Strength	نقطه‌ی قوت
Historically	به طور تاریخی
Contribute	کمک کردن
Incrementalism	تدریجی‌گرایی
Accept	پذیرفتن
Current	کنونی
Financial	مالی
Expansion	گسترش
Existing programs	برنامه‌های موجود
Conserve	ذخیره‌سازی، صرفه‌جویی
Scarce resources	منابع کمیاب
Avoid	اجتناب کردن
Settle in	مجاها شدن

تلفظ:

Poverty	فقر
Scrutiny	رسیدگی، موشکافی
Dissuade	دلسرد کردن، منصرف کردن
Participants	مشارکت کنندگان
Time-consuming	زمان بر
Costly	پرهزینه
Complexity	پیچیدگی
Complain	شکایت کردن
Hamper	مختل کردن، از کار افتادن
Eliminate	حذف کردن
Traditionally	به طور سنتی
Advantage	مزیت
Political pluralism	تکثر سیاسی
Microcosm	جهان کوچک
Pluralistic society	جامعه تکثرگرا
Symmetrical	متقارن
Frictionless	بی اصطکاک، بدون اختلاف
Illusion	توهم
Multiple	چندگانه
Political virtue	باکدامنی سیاسی
Counteract	خنثی کردن، مخالفت
Politicize	سیاست زده کردن
Overlapping	همپوشانی
Resemble	شبهت داشتن
Platform	سکو، جایگاه

فقر

موشکافی، رسیدگی

دلسرد کردن - منصرف کردن

مشارکت کردن

زمان بر

پرهزینه

پیچیدگی

شکایت کردن

مختل کردن، از کار افتادن

حذف کردن

به طور سنتی

مزیت

تکثر سیاسی

جهان کوچک

جامعه تکثرگرا

متقارن

بی اصطکاک، بدون اختلاف

توهم

چندگانه

باکدامنی سیاسی

خنثی کردن، مخالفت

سیاست زده کردن

همپوشانی

شبهت داشتن

سکو، جایگاه

Ultimately	در نهایت	در نهایت
Fundamental	اساسی	اساسی
Ocular control	کنترل جمعی	کنترل جمعی
Responsibility	مسئولیت	مسئولیت
Responsiveness	پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی
Elected officials	مقامات اداری منتخب	مقامات اداری منتخب
Chief executive	مدیر اجرایی ارشد	مدیر اجرایی ارشد
Increasingly	به طور فزاینده	به طور فزاینده
Discretionary power	قدرت صلاحیت	قدرت صلاحیت
Grow out	رشد کردن	رشد کردن
Scholar	اندیشمند	اندیشمند
Infuse with	درهم آمیختن با	درهم آمیختن با
Purpose	هدف	هدف
Process	فرایند	فرایند
Numerous	متعدد	متعدد
Policy making	خط‌مشی‌گذاری	خط‌مشی‌گذاری
Ought to	باید	باید
Actually	به طور واقعی	به طور واقعی
Political endeavor	تلاش سیاسی	تلاش سیاسی
Emphasis	تأکید	تأکید
Promote	ارتقا گرفتن	ارتقا گرفتن
Suspect	مورد شک و تردید	مورد شک و تردید
In dissent in	در مخالفت با	در مخالفت با
Separation	جداسازی	جداسازی
Convention	پیمان‌نامه	پیمان‌نامه

Associate with	مربوط به	مربوط به
Objective	موضوع	موضوع
Issue	مبحث	مبحث
Decline	افول	افول
Crime	جرم	جرم
Mortality	مرگ و میر	مرگ و میر
Dropout	ترک تحصیل	ترک تحصیل
Even where	اگرچه	اگرچه
Quantities	کمی	کمی
Indicator	شاخص	شاخص
Survey	نظرسنجی	نظرسنجی
Determine	تعیین کردن	تعیین کردن
Budgeting	بودجه ریزی	بودجه ریزی
Focus on	تمرکز بر	تمرکز بر
Production	تولید	تولید
Regulatory	به طور منظم	به طور منظم
Enforcement	تقویت	تقویت
Outcome	نتیجه، پیام	نتیجه، پیام
Output	سازاده	سازاده
Result	نتیجه	نتیجه
Feasible	امکان پذیر بودن	امکان پذیر بودن
Prefer	توضیح دادن	توضیح دادن
Generate	ایجاد کردن	ایجاد کردن
Share	سهم، بخش	سهم، بخش
Appropriation	تخصیص	تخصیص

Provider	مراکز ارائه دهنده	فراهم کننده
View	دیدگاه	دیدگاه
Internal customers	مشتریان داخلی	مشتریان مرکزی
Personnel agency	سرویس کارمندی	موسسه کارمندیابی
Recruit	کارمندیابی	کارمندیابی
Investigate	ارزیابی - بررسی	بررسی، ارزیابی
Train	آموزش و تدریس	آموزش دادن
Vehicle	ابزار	ابزار
Maintenance	حفظ و نگهداری	حفظ و نگهداری
Protection	حمایت و پشتیبانی	حمایت، پشتیبانی
Equipment	تجهیزات	تجهیزات
Relationship	روابط	روابط
Common	متداول	متداول
Theorist	نظریه پرداز	نظریه پرداز
Satisfaction	رضایت	رضایت
Criterion	معیار	معیار
Constantly	به طور مستمر	به طور مستمر
Result	نتیجه	نتیجه
Self-apparent	بدیهی، آشکار	آشکار، بدیهی
Citizen	شهروند	شهروند
Community	جامعه	جامعه
Welfare	رفاه	رفاه
Aim	هدف	هدف
Common problems	مسائل عمومی	مسائل عمومی
Demand	نیاز - تقاضا	نیاز، تقاضا

توجه دروس/زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد - مرکز اطلاع رسانی دانشپذیران فراگیر

Appointed officials	مقامات منصوب	education	آموزش
Substitute	جانشین	terminated	پایان پذیرد
Consciously	به طور آگاهانه	stringency	سخت گیری
Innovative	نوآورانه	prohibition	نواورانه
Benchmark	الگو برداری	punishment	الگو برداری
Program	برنامه	treatment	برنامه
Direction	هدایت	habilitation	هدایت
Quantified goals	اهداف کمی	ratified	اهداف کلی
Education	آموزش	ranging	آموزش و پرورش
Civic participation	مشارکت مدنی	recruitment	مشارکت مدنی
Equal opportunities	فرصت های برابر	expansion	فرصت های برابر
Social harmony	همگونی اجتماعی	enhance	همگونی اجتماعی
Environment	محیط	scrupulously	محیط
Transportation	حمل و نقل	violating	حمل و نقل
Public safety	امنیت عمومی	reducing	امنیت عمومی
Percipitate income	درآمد سرانه	immunity	درآمد سرانه
Industrial investment	سرمایه گذاری صنعتی	abridged	سرمایه گذاری صنعتی
Economic growth	رشد اقتصادی	compensating	رشد اقتصادی
Performance	عملکرد	victim	عملکرد
Encourage	تشویق کردن	deterrent	تشویق کردن
Facilitate	تسهیل کردن	incentive	تسهیل کردن
Experimentation	آزمایش	ministrative	آزمایش
Setting priorities	اولویت بندی کردن		اولویت بندی کردن
Achivement	موفقیت		موفقیت
Population	جمعیت		جمعیت

supervisors

پرکاربردترین واژه‌ها - full-fledged

رشته‌ای

widely

denounced

پشتکار

affirmative

inquiry

circumstances

despite

vote

indeed

feature

tenet

homogeneous

hearing

relevant

proper

resolution

candid

generalizations

derived

eclipsed

اخلاق

پیشقدمی، ابتکار

هم‌چشمی کردن، رقابت

ادارات اقماری

احیا

ثبت‌نام

هدایت کردن به جای پارو زدن

کالا‌های عمومی

لزوماً

به طور مناسب

بخش ثابت

شرکت

ارایه کردن

اجرا کردن

تقویت کردن

مقررات زدایی

کنترل متمرکز

کارگزینی، به کار گیری

مدیریت پرسنلی

بودجه

بازرسی

تدارک، تهیه

نامناسب

نتیجه‌گرا

پاسخ‌گویی

امروز

Ethic

Initiative

Emulate

Satellite offices

Renewing

Registration

Steering not rowing

Public goods

Necessarily

Appropriately

Third party

Corporation

Deliver

Implement

Enforce

Deregulation

Centralized control

Staffing

Personnel administration

Budgeting

Auditing

Procurement

Inappropriate

Result oriented

Accountability

ابتکار

هم‌چشمی کردن

ادارات اقماری

احیاء

ثبت‌نام

هدایت کردن

کالاها یا عمومی

لزوماً

به طور مناسب

سوم‌طرفی

شرکت

ارایه کردن

اجرا کردن

تقویت کردن

مقررات زدایی

کنترل متمرکز

کارگزینی

مدیریت پرسنلی

بودجه

بازرسی

تدارک

نامناسب

نتیجه‌گرا

پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی

جزوه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد
مرکز اطلاع رسانی دانشپژیران خراگیر

Faith ایمان عقیده
 Political rhetoric لفظ‌های سیاسی
 Bureaucrat bashing تخریب‌گرایی بی‌س
 Negative press فشار منفی
 Coverage پوشش
 Broadly به طور گسترده
 Incredibly ناباورانه
 Inept بی‌عرضه، ناشایسته
 Wasteful اتلاف، ولخرجی
 Public trust اعتماد عمومی
 Waste به هدر دادن
 Tax مالیات
 State government مالیات
 Local government دولت ایالتی
 Tax payer مالیات دهنده
 Revolt شورش کردن
 Break out فرار کردن
 Enact وضع کردن
 Limit محدودیت
 Expenditure هزینه
 Proposition پیشنهاد
 Capture به دست آوردن
 A great deal of حجم انبوهی از
 Public attention توجه عمومی
 Majority میان در

Brandeis براندیس
 Dissent اقلیت
 Supreme عالی
 Doctrine نظریه
 Preclude منع کردن
 Arbitrary استبدادی
 Incident اتفاق
 Autocracy حکومت استبدادی
 Incorporate متعین کردن
 Aims at هدف
 Immigration مهاجرت
 Occasion مناسبت
 Observe مشاهده
 Proposition پیشنهاد
 Impose تحمیل کردن
 Clumsy خراب
 Consciously هرگاه
 Furnishing فراهم کردن
 Diverse گوناگون
 Advisory مشورتی
 Represent نمایندگی

Extent	میزان، حد	میزان، ماص
Subhuman	مادون انسانی (دارای صفات شبه انسانی)	زیر انسانی (مادون انسانی)
Coercion	اجبار	اجبار
Historically	به طور تاریخی	به طور تاریخی
Facilities	تسهیلات	تسهیلات
Reliance on	اتکا داشتن بر	اتکا داشتن بر
Impersonality	روابط غیر شخصی	روابط غیر شخصی
Counterproductive	ضد بهره‌وری	ضد بهره‌وری
Dysfunction	کار معیوب	کار معیوب
Essential	اساسی، حیاتی	اساسی، حیاتی
Ingrain	واقع شدن	واقع شدن
cognitive approach	رویکرد شناختی	رویکرد شناختی
Scientific method	روش علمی	روش علمی
Contain	شامل شدن	شامل شدن
Kernel	شالوده	شالوده
Transform	تبدیل شدن	تبدیل شدن
Publish	منتشر کردن	منتشر کردن
Inflectionally	به طور موثر	به طور موثر
Commitment	تعهد	تعهد
Domain	غالب	غالب
Scholarship	پژوهشگری	پژوهشگری
In practice	در عمل	در عمل
Generalization	عمومیت	عمومیت
Administrative behavior	رفتار اداری	رفتار اداری
Formulation	تدوین	تدوین

shoveling

shoveler

chance

intimate

fairly

pile

against

relieves

weight

drilling

entific

signals

elements

obeys

remains

badly

جزوه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد - مرکز اطلاع رسانی دانشپژیران فراگیر

تلفن: ۸۰۰

classify	طبقه‌بندی کردن	articulated	طرح منطقی
Rational scheme	طرح منطقی	sibilities	انتخاب
Selection	انتخاب	irrational	انجام دادن
Perform	انجام دادن	emotions	شایستگی
Merit	شایستگی	performance	تعلق سیاسی
Political affiliation	تعلق سیاسی	perspective	به حساب آوردن
Take in to account	به حساب آوردن	tend	دیدگاه در مورد فرد (انسان)
View of the individual	دیدگاه در مورد فرد	appendage	دیدگاه غیر شخصی
Impersonal view	دیدگاه غیر شخصی	idiosyncrasies	مشتریان
Clients	مشتریان	duties	قربانی
Victim	قربانی		مشموری
Customer	مشموری		پیش‌رو، مقدم
Foremast	پیش‌رو، مقدم		از دیدت دادن صفات انسانی
Dehumanization	از دیدت دادن صفات انسانی		خاصیت ویژه
Special virtue	خاصیت ویژه		بوروکرات، دیوان‌سالار
Bureaucrat	بوروکرات، دیوان‌سالار		دندان، چرخ دنده
Cog	دندان، چرخ دنده		ماشین سازمانی
Organizational machine	ماشین سازمانی		تقریباً
Virtually	تقریباً		سود، مزیت
Advantage	سود، مزیت		بدین معنی
Mean that	بدین معنی		غیر عقلانی
Irrational	غیر عقلانی		احساسات
Emotions	احساسات		مداخله کردن
Interfere	مداخله کردن		عملکرد شغلی
Job performance	عملکرد شغلی		

بروز در زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد مرکز اطلاع رسانی دانشپدیران غیرانتفاعی

Classical view	دیدگاه سنتی	eventually	انتهای - اضمالی
Ultimate	نهایی	orthodox	صفتی در صحت
Axiom	حقیقت آشکار	regulatory	تطبیق کردن
Eliminate	حذف کردن، از بین بردن	advocated	رأی کردن
Foundation	اساس، مبنا	reduced	کاهش داده
Inefficiency	ناکارآمدی	scientific	علمی - علمی
Despite	با وجود	virtue	کم توجهی
Deemphasize	جذب کردن	immoral	غیر اخلاقی
Absorb	تصمیمات		
Affairs	مدیریت علمی		
Decisions	پیش فرض		
Scientific management	منتقدان		
Premise	الگو		
Critics	ریاضی		
Pattern	رابطه		
Mathematical	حداکثر		
Relationship	حداقل		
Maximize	به دست آوردن		
Minimize	ساختار سازمانی		
Attainment	به طور جهانی		
Organizational structure	شناختن، تشخیص دادن		
Universally	ساختار بوروکراتیک		
Identify	به ذهن رسیدن		
Bureaucrat			
Strike			

تلفن:

چیزه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی کارشناسی ارشد

مرکز اطلاع رسانی دانشجویان غیر ایرانی

تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰

Gist	جائزهای صمیمه	جان کلام، چکیده
Complete	کامل کردن	کامل کردن
Business	تجارت، کسب و کار	تجارت، کسب و کار
Minimize	حداقل کردن	حداقل کردن
Distinction	تمایز، تفاوت	تمایز، تفاوت
Essentially	به طور اساسی	به طور اساسی
Ought to	قصد داشتن	قصد داشتن
According to	بر اساس	بر اساس
Principle	اصل	اصل
Outlook	دورنما، منظره	دورنما، منظره
Elective leaders	رهبران منتخب	رهبران منتخب
Tend to	تمایل داشتن	تمایل داشتن
Resent	رنجیدن	رنجیدن
Bureaucracy	هیئت وکراسی (دیوان سالاری)	هیئت وکراسی (دیوان سالاری)
Collective	جمعی	جمعی
Influence	تاثیر، اثر	تاثیر، اثر
Traditionalists	سنت گرایان	سنت گرایان
Reformers	اصلاح کنندگان	اصلاح کنندگان
Overtake	پیشی گرفتن	پیشی گرفتن
Reinventing	احیا، بازآفرینی	احیا، بازآفرینی
Supplant	جابه جا شدن	جابه جا شدن
Traditional approach	رویکرد سنتی	رویکرد سنتی
Root	ریشه، منشا	ریشه، منشا
Means	ابزار	ابزار
Organizing	سازماندهی	سازماندهی

entrenched reformers
patronage

Publican	سامور وصول مالیات	constraints	محدودیت	سامور وصول مالیات
Emphasize	تاکید کردن	privilege	مزیت	تاکید کردن
Aspect	جنبه	suspended	بیکار کردن	جنبه
Distinctly	به طور متمایز	revoked	لغو کردن	به طور متمایز
Procedural	فرآیندی	affirmative	اثباتی	فرآیندی
Structural	ساختاری	preclude	باز نماند	ساختاری
Arrangements	ترتیب	occupational	کارشناسی	ترتیب
Adopt	برعهده گرفتن	plumbers	برگشت	برعهده گرفتن
Knowledge	دانش	entry	ورود	دانش
Complexity	پیچیدگی	utilities	مورد نیاز	پیچیدگی
Variant	متغیر	securities	امنیت	متغیر
Contemporary	اکنون	servants	خدمت	اکنون
Reform	اصلاح	evident	مشهود	اصلاح
New public management	مدیریت دولتی نوین	intellectual	عقلانی	مدیریت دولتی نوین
Political culture	فرهنگ سیاسی	discipline	انضباط	فرهنگ سیاسی
Sentiments	احساسات	lack	کمبود	احساسات
Institutional	نهادی	publicness	معمولیت	نهادی
Expression	اصطلاح، عبارت	remarkably	تأکیداً	اصطلاح، عبارت
Assignment	تخصیص، محول کردن	embedded	جدا شده	تخصیص، محول کردن
Divide	تقسیم کردن	incorporates	متحد کردن	تقسیم کردن
Protect	حمایت کردن	presented	حاضر شده	حمایت کردن
Individual right	حقوق فردی	managerial	مدیریتی	حقوق فردی
Arbitrary	اختیاری، دلخواه			اختیاری، دلخواه
Associate with	مرتبط به			مرتبط به
Faithful	وفادار			وفادار

Throughout	هر جا	sense	معنی	هر جا
Relevant	مرتبط	contracts	قرارداد	مرتبط
Principle	اصل	trustees	مستمن	اصلی
Equivalent	مقابل برابر	prastisan	پارسیان	مقابل برابر
Stress	توجه، تأکید	electoral	انتخابی	توجه، تأکید
Similarity	شباهت	broadly	گسترده	شباهت
Convey	در بردارستن	accepted	قبول دارند	در بردارستن
Essence	اساس	phases	مرحله	اساس
On behalf of	از طرف	mandates	مأموریت	از طرف
In contrast	در مقابل	scarcity	کمبود	در مقابل
Profit-making	سود	virtually	تقریباً	سود
Corporation	شرکت	enforcement	اجرا	شرکت
Dominate	تسلط داشتن	involvement	درگیری	تسلط داشتن
Characterize	توصیف کردن	salient	بهره‌ساز	توصیف کردن
Exclusively	به‌طور انحصاری	perform	پرفارم	به‌طور انحصاری
Reliance	اتکا	maintain	حفظ	اتکا
Promote	ارتقا دادن	convince	قانع کردن	ارتقا دادن
Regulation	مداخله	desirable	مطلوب	مداخله
Service	خدمات	advertising	تبلیغات	خدمات
Binding	الزام دهنده	modification	تغییر	الزام دهنده
Crucial	مهم	win over	برنده شدن	مهم
Satisfactory	راضی کننده	invaluable	بهایز	راضی کننده
Conservative	محافظه کار			محافظه کار
Oppose to	مخالفت کردن			مخالفت کردن
Civil service	خدمات مدنی (کشوری)			خدمات مدنی (کشوری)

Enterprise	بنگاه	بنگاه
Sovereignty	حاکمیت	حاکمیت
ultimate	نهایی	نهایی
Repository	منبع مخزن	منبع، مخزن
Supreme	برتر، عالی	برتر، عالی
Political power	قدرت سیاسی	قدرت سیاسی
Authority	اقتدار، اختیار	اقتدار، اختیار
Monopoly	انحصار	انحصار
Legitimate	مشروع، قانونی	مشروع، قانونی
Force	اجبار، زور	اجبار، زور
Society	جامعه	جامعه
Reside in	قرار گرفتن در	قرار گرفتن در
Constitutional	قانونی	قانونی
Govern	حاکم بودن	حاکم بودن
Representative	نماینده	نماینده
Employment	استخدام	استخدام
In particular	به طور	به طور
Consequently	در نتیجه	در نتیجه
Public trust	اعتماد عمومی	اعتماد عمومی
Subordinates	زیردستان	زیردستان
Position	مقام، منصب	مقام، منصب
Considerably	به طور قابل توجه	به طور قابل توجه
Engage	درگیر بودن	درگیر بودن
Formulation	تدوین	تدوین
Implementation	به کارگیری اجرا	به کارگیری اجرا

resides برقرار

trust ائتمانی

allocate تخصیص

binding منسوس

embody تجسم

Profitably	بهره‌ورسار	remoteness	دوری	به طور سادده
Public goods	کالاهای عامه	profound	عمیق	کالاهای عمومی
Notional defense	دفاع نامی	referred to	تشریح شده	دفاع ملی
Exclude	از دور خارج کردن	collective	گروهی	از دور خارج کردن
Enjoy	بهره‌مند شدن	excellent	شماره	بهره‌مند شدن
Exhaust	تحلیل رفتن	existence	وجود	تحلیل رفتن. تمام شدن
Diminish	کاهش یافتن	bear	بسر برد	کاهش یافتن
Compete	رقابت کردن	maintenance	نگهداری	رقابت کردن
Impossible	غیر ممکن	additional	میشود	غیر ممکن
incentive	مشتوق	nongovernmental	دولت	مشتوق
Purchase	خریدن	universal	جهانی	خریدن
Desirable	مطلوب، خوشایند	solely	به تنهایی	مطلوب، خوشایند
Obtain	به دست آوردن	assess	بررسی ارزش	به دست آوردن
Maintain	حفظ کردن	worth	ارزش	حفظ کردن
Immune	مضمون، در امان	contribution	مساهمه	مضمون، در امان
Trade-offs	تجارت‌های سنگین	performance	عملکرد	تجارت سنگین کردن
Decide	تصمیم گرفتن	deem	پنداشتن	تصمیم‌گیری کردن
Versus	در مقابل	appropriate	مناسب	در مقابل
Invest	سرمایه‌گذاری	implications	نتایج	سرمایه‌گذاری
Preparation	آماده‌سازی	substantially	به طور قابل توجه	آماده‌سازی
Natural disasters	بلاایای طبیعی			بلاایای طبیعی
Occur	افتادن			افتادن
Spend	صرف کردن			صرف کردن
Consider	توجه کردن			توجه کردن
Rational	منطقی			منطقی

جزوه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد مرکز اطلاع رسانی دانشپژوهان فراگیر

Opt out	برگزیدن	regarding	مورد	تورگیزدن
Jurisdiction	حوزه قضایی	delivery	تحویل	حوزه قضایی
Borrow	استقراض	salient	اصی	استقراض
Money	پول	collection	جمع آوری	پول
Financial	مالی	fashion	سروا	مالی
Expensive	گران قیمت			گران قیمت
Existence	وجود داشتن			وجود داشتن
Off - shore	دور از کرانه			دور از کرانه
Dissolve	منحل شدن			منحل شدن
Bankruptcy	ورشکستگی			ورشکستگی
Public choice movement	جنبش انتخاب عمومی			جنبش انتخاب عمومی
Responsive	پاسخ گو			پاسخ گو
Compel	مجبور بودن			مجبور بودن
React	واکنش نشان دادن			واکنش نشان دادن
For instance	به عنوان مثال	alternate	جایگزین	به عنوان مثال
Compete	رقابت کردن	eventually	در نهایت	رقابت کردن
Opportunity	فرصت	gre area	مناطق	فرصت
Geographic Area	ناحیه جغرافیایی			ناحیه جغرافیایی
Voucher systems	سیستم های تضامی			سیستم های تضامی
Typically	نوعاً			نوعاً
Directly	به طور مستقیم			به طور مستقیم
Conditions	شرایط			شرایط
Produce	تولید کردن			تولید کردن
Competitive price	قیمت رقابتی			قیمت رقابتی
Decline	افول کردن			افول کردن

مرکز اطلاع رسانی دانشجویان فرامگیر

Profit	سود	present	سود
Motive	انگیزه	guarantee	تضمین
Positive	مثبت	purely	مطلقاً
Endanger	به خطر انداختن	subversion	سلب امنیت
Health	سلامت	abroad	خارج از کشور
Safety	امنیت	restrictions	محدودیت
Workers	کارگران	situation	وضعیت
Community	جامعه	opposed	متضاد
Damage	آسیب رساندن	diametrically	کاملاً
Destroy	ویران کردن	bottom	تفصیل
Assume	فرض کردن	line	خط
Plausible	باور کردنی	proper	درست
Endeavor	تلاش	summarizing	خلاصه کردن
Market	بازار	enternalities	اثرات خارجی
Distinction	تفاوت	aspects	جوانب
Traditionally	به طور سنتی	pollution	آلودگی
Face	مواجه شدن	classic	کلاسیک
Competitive	رقابتی	accounted	به حساب آمد
Services	خدمات	caused	سبب شد
Products	محصولات	sweatshops	کارگاه های تولیدی
Price	قیمت	devastating	تخریب کننده
Operations	عملیات	inevitably	خواهش نیست
Establish	ایجاد کردن، پایه گذاری		
Through	از راه		
Budgetary routines	رویه های بودجه ای		

تلفن: ۱۰۰۰

جزوه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد

Policy decisions *تصمیمات خط مشی*

Affairs *امور، کارها*

Frequently *به طور مستمر*

Counter *شمارنده*

Run *اداره کردن*

Embody *تجلی یافتن*

Efficiency *کارایی*

Subordinate *زیر دست*

Representativeness *نماینندگی*

Accountability *با پاسخگویی*

Transparency *شفافیت*

With the exception of *به استثنای*

Relationships *روابط*

Prohibit *جلوگیری کردن*

Slavery *برده داری*

Voluntary *داوطلبانه*

Servitude *برده داری*

Federal government *دولت مرکزی*

Genuine *واقعی*

Equivalent *معادل*

Profit *سود*

Motive *دفعه*

Private enterprise *شرکت خصوصی*

Public interest *منافع عمومی*

Obligation *تعهد*

Layer cake *زیرکاه*

Constrain *تکلیف کردن*

interpreted *تفسیر*

intermingling *آمیختن*

visualized *تجلی یافتن*

marble *کارایی*

rely *تکیه کردن*

implement *اجرا کردن*

fragmenting *تجزیه کردن*

restrictions *محدودیت*

run *اداره کردن*

+ counter *مقابل*

slavery = servitude *برده داری*

embodied *جسمانی*

inherent *ذاتی*

noted *توجه*

subordinated *تابع*

due *باید*

genuine *واقعی*

equivalent *معادل*

central *مرکز*

تصمیمات خط مشی

امور، کارها

به طور مستمر

شمارنده

اداره کردن

تجلی یافتن

کارایی

زیر دست

نماینندگی

پاسخگویی

شفافیت

به طور استثناء

روابط

جلوگیری کردن

برده داری

داوطلبانه

برده داری

دولت مرکزی

واقعی، حقیقی

معادل

سود

انگیزه

مؤسسه خصوصی

منافع عمومی

تعهد

Enact	وضع کردن	وضع کردن
Administrative law	قوانین اداری	مدیریت اداری
Regulate	تنظیم کردن	تنظیم کردن
Participation	مشارکت	مشارکت
Gathering	جمع آوری	جمع آوری
Recluse	دور ریختن	دور ریختن
Court	دادگاه	دادگاه
Exercise	اعمال کردن	اعمال کردن
Considerable	قابل توجه	قابل توجه
Legal rights	حقوق قانونی	حقوق قانونی
Obligations	تعهدات	تعهدات
Constitutional rights	حقوق قانونی	حقوق قانونی
Nature	ماهیت	ماهیت
Liability	مسئولیت، وظایف	مسئولیت، وظایف
Judiciary	قضایی	قضایی
Restructuring	سازماندهی مجدد	سازماندهی مجدد
Facilities	تسهیلات	تسهیلات
Prison	ت زندان	ت زندان
Comply	مؤافقت کردن، اجابت کردن	مؤافقت کردن، اجابت کردن
Partner	همکار، شریک	همکار، شریک
Chief executive	مدیران اجرایی ارشد	مدیران اجرایی ارشد
Limit	محدود	محدود
Profit seeking	به دنبال سود	به دنبال سود
Grant	اهداء، بخشش	اهداء، بخشش
Domestic	خانگی، اهلی	خانگی، اهلی

Contain	مدیر است	در برداشتن
Truth	واقعیت	واقعیت
Practical	عملی	عملی
Unsatisfactory	ناراضی کننده	ناراضی کننده
Analyse	تجزیه و تحلیل	تجزیه و تحلیل
Coherently	به طور منسجم	به طور منسجم
Aspect	بعد، جنبه	جنبه، بعد
Contemporary	مدرن	موقتی
Emergence	ظهور	ظاهر شدن
Powerful	قدرتمند	قدرتمند
Governmental agencies	موسسات دولتی	موسسات دولتی
Concerned with	سرپرست، نگران	سر و کار داشتن با
Concentrate	متمرکز شدن	متمرکز شدن
Executive branch	شاخه اجرایی	شاخه اجرایی
Managerial	مدیریتی	دولتی
Political	سیاسی	سیاس
Legal	حقوقی، قانونی	حقوقی، قانونی
Fulfill	برآورده ساختن	برآورده ساختن
Mandate	حکم، فرمان	حکم، فرمان
provision	تهیه، تدارک	تهیه، تدارک
Regulatory	قانونی	قانونی
Service functions	کارکردهای خدمات رسانی	کارکردهای خدمات رسانی
Elaboration	تفصیل	پیچیدگی، جزئیات
Blurred	کمرنگ، بهینه	کمرنگ، بهینه
Generic	عمومی	عمومی، کلی

جزوه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد - مرکز اطلاع رسانی دانشپژیران فراگیر

✦ Distinct	تمایز	متمايز
Promote	توسيع	افزايش دادن
✦ Confusion	ابهام	ابهام
Emphasize	تاكيد كردن	تاكيد كردن
Organizational arrangements	ترتبات سازمانی	ترتبات سازمانی
Develop	توسعه دادن	توسعه دادن
Citizen	شهروند	شهروند
Variety	تنوع، گوناگونی	تنوع، گوناگونی
✦ Influential	مؤثر	مؤثر
✦ Effort	تلاش	تلاش
Government	دولت	دولت
Means	ابزار	ابزار
Purpose	هدف	هدف
Realize	تحقق دادن	تحقق دادن
✦ Implement	اجرا کردن	اجرا کردن
Executive branch	شاخه‌ی اجرایی	شاخه‌ی اجرایی
Effect	اثر گذاشتن	اثر گذاشتن
Intent	نیت، قصد	نیت، قصد
✦ Desires	تمایلات	تمایلات
Continuous	مستمر	مستمر
Carry out	انجام دادن	انجام دادن
Legislative	حقوقی، قانونی	حقوقی، قانونی
✦ Authoritative	اقتدارگرا	اقتدارگرا
✦ Interpret	تعبیر و تفسیر کردن	تعبیر و تفسیر کردن
	دادگاه	دادگاه

چرخه درس زبان تخصصی رشته مدیریت دولتی مقطع کارشناسی ارشد در اطلاع رسانی دانشجویان فراموشی

Emphasize	تأکید کردن	space	تأکید کردن
Political nature	ماهیت سیاسی	profoundly	ماهیت سیاسی
Legalistic	قانونی	rang	قانونی
Concern	توجه، دغدغه	carried out	توجه، دغدغه
Traditional	سنتی	mass	سنتی
Variant	گونه، نوع	radically	گونه، نوع
New public management	مدیریت دولتی نوین	considerably	مدیریت دولتی نوین
Perspective	دیدگاه	constrained	دیدگاه
Embrace	دربر گرفتن		دربر گرفتن
Values	ارزش ها		ارزش ها
Distinctive	تمایز		تمایز
Citizen	شهروند		شهروند
Carry out	انجام دادن		انجام دادن
Vast	گسترده		گسترده
Activity	فعالیت		فعالیت
Homeland	وطن		وطن
Exploration	اکتشاف		اکتشاف
Professionals	افراد حرفه ای		افراد حرفه ای
Forefront	خط مقدم		خط مقدم
Specialization	تخصص		تخصص
Possess	برخوردار بودن		برخوردار بودن
Skill	مهارت		مهارت
Differentiate	تمایز ایجاد کردن		تمایز ایجاد کردن
Citizenry	شهروندان		شهروندان
	مدیران		مدیران

بخش اول

لغتنامه

مجموعه ۱۰۱
جلد ۶

تاریخ

جزوه درس زبان تخصصی رشته

/